

فصل‌نامهٔ جُندی‌شاپور، دانشگاه شهید چمران اهواز

سال سوم، شمارهٔ ۱۰، تابستان ۱۳۹۶

## آفرینش و فلسفهٔ انتظام گیتی در مانویت<sup>۱</sup>

ورنر زوندرمان

ترجمهٔ ویدا موفقی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۹۷/۴/۹

تاریخ پذیرش: ۹۷/۵/۱۴

مانوی‌شناسی همچون آیین زردشتی و فرقه‌های متنوع گنوسیکی رایج در آن عصر، اسطوره‌ای دقیق از آفرینش یا به عبارتی فلسفهٔ انتظام گیتی را ارائه می‌دهد. اگرچه مانوی<sup>۳</sup> ادعا کرد که تعالیمش برای معماهای دنیا پاسخی را پیدا کرده است ولی حوزهٔ اصلی اسطورهٔ آفرینش او محدودتر شد تا بتواند به سئوالات اولیهٔ هستی‌شناسی در مورد ریشه‌های شیطان، بشر و نیز نقش بشر در دنیا پاسخ بدهد.

### متون:

شناخت آفرینش مانوی به توسط منابع متعدد دست اول یا دست دوم حاصل می‌شود. نسخه‌هایی که در این منابع ارائه شده‌است اگرچه مغایرت‌هایی در جزئیات یا حذف یا اضافه‌ها دارند، اما عقاید اصولی یکسانی را انعکاس می‌دهند. برای مثال آفرینش مانوی از ابتدا در بین‌النهرین و ایران در طول تاریخ دین یک سیستم بسته‌ای را در بین طرفدارانش از غرب (مصر، آفریقای شمالی) تا شرق (آسیای مرکزی، ترکستان چین، و چین) ایجاد کرد. زبان مادری او آرامی (سریانی) بود و به همین زبان می‌نوشت. به غیر از کتاب شاپورگان که به خاطر استفادهٔ شاپور یکم (۲۴۱ تا ۲۷۲ میلادی) و به افتخار او، به زبان فارسی

۱. این مقاله ترجمه‌ای است از:

Sundermann, Werner. OSMOGONY AND COSMOLOGY iii. In *Manicheism, Encyclopædia Iranica*, XII /3, pp. 310-315.

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ ایران باستان دانشگاه تهران [Vida.movaffaghi@ut.ac.ir](mailto:Vida.movaffaghi@ut.ac.ir)

3. b. Babylon 216, erected probably 277 through the machinations of the Zoroastrian clergy and the high priest Kerdir.

میانه، زبان اصلی شاهنشاهی ساسانی نوشته شد. مانی داستان آفرینش خود را در چندین اثرش از جمله شاپورگان<sup>۱</sup> و کتاب ایستولا<sup>۲</sup> شرح داده شده است. از نوشته‌های شرقی او فقط قسمت‌هایی از شاپورگان در دست‌نوشته‌های ناقص باقی مانده است، بقیه کارهای او تنها از روی ترجمه‌ها و خلاصه‌هایی که به زبان‌های دیگر در متون آمده است، شناخته می‌شود. پیروان شرقی او به زبان‌های سریانی، قبطی، لاتین و پیروان غربی او به زبان‌های فارسی میانه، پارسی، باکتریایی، سغدی، ترکی، و چینی می‌نوشته‌اند.<sup>۳</sup> منتقدان مسیحی و زردشتی او همچون مورخین مسیحی و مسلمان از زبان‌های یونانی، لاتین، سریانی، پهلوی، فارسی، و عربی استفاده می‌کردند. متأسفانه به جز منابع شرقی که توسط این نویسندگان نام برده شد،<sup>۴</sup> دیگر نمی‌شود مشخص کرد که آنها اطلاعاتشان را از کدامیک از کارهای مانی گرفته‌اند. در اینجا برخی از این متون مهم را که شامل توضیحات یا ارجاعاتی به کیهان‌شناسی مانوی هستند خواهیم آورد. گزارش آفرینش شاپورگان از روی قطعاتی که فریدریش مولر<sup>۵</sup> و والتر هنینگ<sup>۶</sup> به چاپ رسانده‌اند، قابل بازسازی است. قطعات بسیار دیگری از متون آفرینش به زبان فارسی میانه یا پارسی به نثر و یا نظم به چاپ رسیده است، مخصوصاً توسط کارل سیلمن<sup>۷</sup> و مری بویس.<sup>۸</sup>

قطعه‌ای از اوایل متن پارسی مانوی روزن و یفراز (خطابه خرد آشکار) که شامل موضوعات کیهانی است.<sup>۹</sup> و یک قطعه دست‌نویس سغدی که توسط هنینگ به چاپ رسید (۱۹۴۸)، شامل توصیفات دقیقی از

1. note the quotation from this work in Sahrestani, p. 192; Tagizad and Asgari, p. 244; Adam, p. 10 text b.
2. see, e.g., Feldman, pp. 12-21.
3. see Chinese Turkestan vii.
4. E.g. biruni Atar, p. 208 Sahrestani, explicitly citing Sabunragani; cf. Hutter, pp. 159-60.
5. pp.37-43 ;Saleman;1908,pp.16-17;cf.Jackson,pp. 22-73; Sundermann, 1979, pp. 97-98; Boyce, Reader, pp. 60-62.
6. Mir.Man .I, pp.175-222;cf. Boyce, Reader, pp. 63-87.
7. 1912, pp. 7-14: a fragmentary hymn in Middle Persian with 2 admixture of Parthian, later analyzed by Jackson and reedited and translated by Henning, 1932; cf. Boyce, Reader, pp. 100-01.
8. 1951; 1952; cf. Reader, pp. 94-100), and Werner Sundermann 1973, pp. 11-80.
9. Sundermann, 1973. p. 54-57.

دنیای نور است. چاپ دیگری توسط آلبرت ونلی کوک (صفحه ۷ تا ۱۷) که از روی یک متن قدیمی ترکی انجام شده است، گزارشی از نجات اولین انسان است که در ادامه خواهید دید.

در کتاب چینی درمان مانوی که در واقع ترجمه‌ای از متن مانوی پارتی روزن و یفراز است. خلاصه‌ای از کیهان‌شناسی مانوی وجود دارد.<sup>۱</sup> در نهایت از متون مانوی قبطنی، کتاب مزامیر مانویان است که بخشی در مورد کیهان‌شناسی دارد،<sup>۲</sup> کفالاتیا هم مباحثی در مورد سؤالات افراد دارد.<sup>۳</sup>

توصیفات از کیهان‌شناسی مانوی در دو متن یونانی هم یافت می‌شود، یکی تکذیب مکتب مانویت از الکساندر از شهر لیکوپولیس (حدود ۳۰۰ میلادی) و آکتا آرکلای (نک: آرکلوس) توسط هچی مونس (احتمال تألیف نیمه اول قرن چهارم با یک ترجمه لاتین از اواخر همین قرن و در میان کارهای لاتین آگوستین ۳۵۴ تا ۴۳۰)، که شامل ارجاعات بسیار به اصول مانویت است، مخصوصاً در ضدیت با اصول بنیادین<sup>۴</sup> در اواخر قرن هشتم تئودور بارکانی مسیحی<sup>۵</sup> که به سریانی می‌نوشت («به منظور به حاشیه راندن چهره‌های مانوی») به شرح نظام مانویت پرداخت<sup>۶</sup> اگر این گزارش براساس نوشته‌های اصلی مانوی به زبان سریانی بود، می‌توانست از واژه‌هایی که توسط شخص مانی به کار گرفته شده بود، استفاده کرده باشد. کتاب زردشتی این اواخر به نام شکند گمانیک وزار<sup>۷</sup> یک اثر انتقادی غیر از زردشتی است که شامل بخشی است که موقوف به تکذیب ارتداد مانوی (erang) است، سه نویسنده مشهور مسلمان که در قرن ۱۰ و ۱۱ به مباحث مانوی پرداختند، ابن الندیم،<sup>۸</sup> بیرونی،<sup>۹</sup> و شهرستانی<sup>۱۰</sup> هستند.

1. Chavannes and Pelliot; Schmid-Glitzer. pp. 77-80.
2. Psalm 223; All berry, pp. 9-11.
3. Esp.pp.6-7.17-18.23.31-35.44-45,53,55,56.
4. Against the letter cornering the beging; pp. 193-248: for attempts to identify fragments of the Epistula fundamental a Manichean text current among North African Manichean s see Decret, p.p. 107-23 : Feldmann.
5. pp. 313.10-318.4; tr. in Cumont, I; tr. Hespel and Draguet, pp. 234-37; cf. Jackson, pp. 221-54; Adam, pp. 15-23.
6. Jackson, p. 222.
7. Exposition intended to smash all doubts, possibly of the late 9th century; ed. de Menasce, pp. 226-61; cf. Jackson, pp. - 174-201.
8. Fehrest, ed. Flügel, I, pp. 329-31, cf. pp. 52-58, 86-90; tr. Dodge, II pp. 777-83
9. t r, passim; 1885-86, passim.
10. pp. 620-28; tr., pp. 625-26; fee Taqiz da and Af r r z pp. 240-44.

مطالعات کلاسیک اسطوره کیهان‌شناسی مانوی آنهایی هستند که به وسیله اچ . جی . پولوتسکی و هنری - کارلز پوچ انجام شد، اگرچه می‌گفت که تمام نسخه‌ها را می‌توان در یک نسخه واحد ردیابی کرد.<sup>۲</sup> اما مهمترین و کامل‌ترین شرح از دید مانوی کار کارای وی. دیپلو. جکسون<sup>۳</sup> که شامل نقاشی‌هایی می‌باشد است و کار منفرد هانریک بازیینی دقیق متون کیهان‌شناسی ایرانی است. رین هولدر مرکل باخ هم تحلیل‌های جدید رسمی را ارائه داده است.

### نظام مانوی:

بارکانی شرح مختصری از کیهان‌شناسی مانوی به زبان سریانی تهیه کرده است.<sup>۴</sup> قبل از اینکه کیهان خلق شود، دو ذات وجود داشت.<sup>۵</sup> یکی پدربزرگی<sup>۶</sup> و دیگری سلطان تاریکی<sup>۷</sup> که هرکدام پنج دنیای نگهبان داشتند. وقتی سلطان تاریکی می‌خواست که به قلمرو روشنایی هجوم ببرد، پدر عظمت اقدام متقابلی انجام داد که با احضار نیروهایی نهایتاً موفق به آفرینش دنیا شد. برای درک پیشرفت‌های بعدی، باید به خاطر داشته باشیم که تمام این احضار کردنها، پدید آورنده‌ها از پدر آغاز شد یعنی از نور خودش وعین خودش (آگستین: ذات واحد «از یک اصل همسان») پدر عظمت از درون خودش مادر حیات را

1. For collections of source texts see especially Adam (Greek and Latin texts, translations of Iranian, Syriac, and Arabic texts), Taqiz ad Af r r z (Arabic and Persian texts), and the translations in Böhlig an Asmussen, pp. 103-56; Asmussen, 1975, pp. 113-42; and Klimkeit, pp. 57-99.
2. see also Jonas, pp. 209-28; PT Rudolph, pp. 336-39; for succinct surveys with notes, see Asmussen, 1965, pp. 12-14; Boyce, Reader, pp. 4 10, the latter with a useful table of the members of the different creations and their Iranian names.
3. p.22-23.
4. Arabic technical terms in the following discussion have been drawn from the Fehrest; Latin terms, chiefly from Hegemonius, are common in the scholarly literature; for the Iranian names of deities, demons, and men, see Sundermann, 1979.
5. Syr. ky n nMid. Perso bun, Ar. kaw n n
6. Syr. ab d.rabb t Lat. bonus pater, pater ingenitus, Mid. La Pers. bay zarw n, pid i wazargih, etc., Ar. malek jen n al-n r.
7. Syr.mlekhe ok , Mid. Pers. Ahriman, Ar. Sayt n.

فراخواند. <sup>۱</sup> و سپس او اولین انسان را فراخواند. <sup>۲</sup> کسی که به عنوان فراخواندهٔ شخیص پدر، روح او نیز محسوب می‌شد، و به عنوان فراخواندهٔ مادر حیات و اولین انسان، اولین مخلوقات را هم پدید آورد. اولین انسان و پسرانش، پنج خدای درخشان، <sup>۳</sup> بر ضد شیطان شاه و پسرانش وارد نبرد شدند. وقتی که قدرتهای تاریک به مقابله با دنیای نور آمدند، نخست انسان و پسرانش خودشان را به عنوان غذا نمایندند. <sup>۴</sup> مثل کسی که سم در کیک می‌ریزد و آن را به دشمنش می‌دهد <sup>۵</sup> پنج پسر انسان اولیه توسط پسران تاریکی بلعیده و حریصانه خورده شدند. در نتیجه این اتفاق بخشی از روشنائی در تاریکی محبوس شد ولی انسان اولیه در حالت بی‌هوشی توسط تاریکی اسیر شد و به زودی دوباره هوشش را به دست آورد و از خدای عظمت درخواست کرد که نورها را نجات دهد. این دعا منجر به آفرینش دوم، دوستان نور شد، <sup>۶</sup> پدیده‌هایی چون سازنده بزرگ <sup>۷</sup> و روح زنده. <sup>۸</sup> مادر حیات و روح زنده با هم انسان را نجات دادند. در آغاز روح زنده اولین انسان را صدا زد، فریاد او مثل یک شمشیر تاریکی را شکافت و انسان اولیه برای اینکه به او پاسخ دهد، عیان شد. از آنجا که تبادل این درود و تبریکات آهنگین و موزون می‌باشد، می‌توان حدس زد که سروده خودمانی می‌باشد. این نوا <sup>۹</sup> و پاسخ به آن <sup>۱۰</sup> به مادر حیات رسید و او به شعر «پسر محبوبش» پاسخ گفت و روح زنده نیز به این ندا پاسخ داد <sup>۱۱</sup> و روح زنده و مادر حیات

1. Syr. Emma d.hayye Lat. Mater vitae, Mid. Pers. Madar I zindagagan, Ar. Omm al-rhya.

2. Syr; nasa qadmaya, Iat, prius homo, Mid, Perso. ohr, izbay, Parth. mard hasenag, etc., Ar. al-ensan al-qadim.

3 Syr. ham el h z w n Mid. Pers. mahr spand nair or breeze, wind, light, water, fire

4 Syr. I. m klt , Mf. Pers. s r i was; Sundermann, 1973, p. 18

5 or as bait to catch fish; see Puech, p. 164 ml. 311

6 Syr. habb bah r Mjd. Pers. r ڇ n dn ist xw rist, Ar. abib al-anw r

7 Syr. b rabb , / Mf. Pers. raz i wuzurg, Parth. b yazad, Ar. al-banana al-kabir

8 Syr. q r , ruha hayya, Lat. Spiritus vivens, Mid. Pers. Waxs zindag, Parth, wad ziwansag, Ar. Ruh al- hayat

9 Syr. 'qary , Mf. Pers. Xwandag, Mizdagtazyazad, Parth, Xrustag, Ar. al-sawt

10 Syr. 'any Mid. Pers. azdegar yazad, Parth. Padw xte

11 According to Ebn al-Nadim the call "became another god," the Enthymesis of life, Mid. Pers. hand ii zindag, the power that at the end of the world will gather the remaining Light and arrange for it to be brought back to the Realm of Light; its

آفرینش را تقبل کردند، سپس از اجساد شیاطین مرده هشت دنیا و از پوستهایشان یازده آسمان (ده گردون و یک دایرة البروج) را پدید آوردند.

دیگر شیاطین در این دنیا و آسمانها زندانی شدند و وظیفه نگهبانی و حفاظت از سرزمینهای دنیا به پنج پسر روح زنده تفویض شد (بنابراین نامهای آنها مید، پرس، داهبید، پاراگبد، زنده بد، ویشد و منبد گذاشت).

روح زنده خودش را به شیاطن در بند و آرگون ها آشکار ساخت (به اصطلاح آنها را گمراه کرد) که باعث شد انواری را که قبلاً بلعیده بودند، از آنها خارج شود و او از مقداری از این انوار، دستگاه خورشید و ماه را پدید آورد. از باقیمانده نورهایی که از آرگون ها خارج شده بود گردش باد و آب و آتش و همچنین قسمت‌هایی دیگر از دستگاه کیهانی را که برای رهایی رستگاری ساخته شده بود، از ان نورهای که هنوز محصور بودند، پدید آورد.<sup>۱</sup> سپس به تقاضای مادر حیات، اولین بشر و روح زنده، پدر بزرگی سومین مخلوق را که همان سومین پیامبر است پیش فرستاد. سومین پیامبر<sup>۲</sup> دوازده دوشیزه را فراخواند<sup>۳</sup> او ترتیبی داد تا دو گردونه خورشید و ماه و سه چرخ در حرکت پدید آیند به طوری که گردونه‌ها به وسط آسمان برسند، او خودش را به ترتیب به شکل زن و مرد برهنه نشان مردان و زنان آرگون داد. به خاطر طبیعت شهوانی آنها، چیزهایی از آنها بیرون ریخت. (بر طبق یک متن طولانی به زبان فارسی میانه در اثر انزال و سقط جنین، بقیه انوار، انوار روح که با گناهان آنها مثل مو در خمیر، آمیخته شده بود، ساطع شدند. سپس سومین پیامبر خود را پوشاند و گناه را از نور جدا کرد. گناه به زمین افتاد، نیمی در آب و نیمی در خشکی. آنچه در آنها افتاد تبدیل به اژدهای وحشتناکی شد،<sup>۴</sup> پسر چهارم روح زنده<sup>۵</sup> به جنگ او رفت و او را اسیر کرد. آنچه در خشکی افتاد تبدیل به دیوها، گیاهان و جانوران شد در نتیجه یک سری اعمال

opposite, the Enthymesis of death, is equal to the greedy spirituality of matter; see below.

1. Mid. Pers. uz ni n; MMan. II, p. 296.

2. Syr. izgadd Lat. tertius legatus, Mid. Pers. nar šayazad, Parth. hridig fr tagc.

3. Syr. btult , Mid. Pers. kan gr n n.

4. Mid. Pers. Azdahag, see audaha i.

5. Light Adamas, Sogd. wa ayi Bayi <TD TO.Ir. vr@ragna.

جنسی و آدم خوری در میان مخلوقات اهریمنی، اشکالن و نبروئیل<sup>۱</sup> که تجسم اصل شهوت بودند<sup>۲</sup> و عین جوهر یا ذات آن هم هستند<sup>۳</sup> اولین زوج انسانی آدم<sup>۴</sup> و حوا<sup>۵</sup> به شمایل پیامبر سوم بودند. به این ترتیب با جدا شدن مداوم روح نور به وسیله زایش، آن‌ها تلاش می‌کنند که رستگاری را خیلی سخت‌تر جلوه بدهند و برای همیشه نور را در زندان مخلوقات اهریمنی، یعنی همین جسم آدمی محبوس کنند. روح نور را روح دنیا، روح زندگی یا خویشتن زندگی<sup>۶</sup> نیز می‌نامند چون او محبوس دنیا است برعکس جوهرهٔ اصلی که به مرگ جسم نیاز دارد هر چند که اسم آن جسد باشد<sup>۷</sup> به این ترتیب که روح زنده بلند می‌شود و انسان نخستین، مسیح باشکوه را رها می‌کند<sup>۸</sup> تجلی پیامبر سوم، سپس آدم را از خواب مرگ بیدار می‌کند و راه رستگاری را به او نشان می‌دهد، با این واقعه، تاریخ بشر آغاز می‌شود.

مهم‌ترین غفلت دو گزارش بارکانی این است که هیچ صحبتی از رکن نور نیست<sup>۹</sup> همچنین از چیزی که انسان کامل نامیده می‌شود<sup>۱۰</sup> یا فراخوان پیامبر سوم که به وسیله او بخش‌هایی از نور پراکنده در دنیا خالص گردیده و به ماه می‌رسد و از آنجا گردونه خورشید و از خورشید به بهشت جدید نور صعود می‌کند.<sup>۱۱</sup> این مفاهیم در چندین متن دیگر هم آمده‌اند.

بارکانی مشخصاً از آثار سریانی مانی به عنوان منبع استفاده کرده است، به خاطر اینکه متن فارسی طولانی که ظاهراً قسمتی از شاپورگان بوده است شامل شرحی بسیار کامل‌تر و دقیق‌تر بوده است. در منبع دوم اصل نور همان خدای خالق سبحان است (کیش ور وریزاد) و شاید هم خدای پیشتاز به سمت بالا (آبر اهرام یزاد) که اصطلاح زردشتی آن سروش آهاری Sros-aharay اس. با این حال شرح

1. Namr ;lsee sr r

2. Mid pres az.

3. Greek hyle.

4. Mid. Pers. noxw r, lit. "first man.

5. Mid. Pers. farrah n sr ga lit. "the female of the glories.

6. Midpres. Griw aindag. Ect.

7. Mid. Pers. nas , contrasted to gy n "sul"; see, e.g., Boyce, Reader, P 75.

8. Syr.iso Ziwand, Mid. Pers, Xradesahryazad .

9. Syr: Jes n- bah (mentioned by St. Ephrem), Lat. columna gloriae, Parth. b iist nAr. 'am dal-sobh.

10. Mid. Pers. mardig ispur, Lat. vir perfectus.

11. Polotsky col. 255.

رستگای نور خیلی مشخص نیست. به جای دوازده دوشیزه نور که بارکونی گفت، اینجا تجسم ایزد بانوهای را داریم.<sup>۱</sup> این نور زنانه است که یکی از جلوه‌های پیامبر سوم است. خصوصیت قابل توجه دیگری که مورد غفلت بارکانی واقع شده است، ارتباط بین پیدایش عالم و آن گاه شماری آنوخ ارمنی است که در نوشته‌های او برآورده شده است.<sup>۲</sup> بعلاوه تقلید وهن آمیزی از داستان خلقت بابلی است که در قاب شرح خلقت اهریمنی اولین زوج آمده است.<sup>۳</sup>

چاپ دقیقی با محتوای آفرینش به زبان فارسی میانه توسط زوندرمان صورت گرفته است،<sup>۴</sup> که او هم احتمالاً برگرفته از کتاب مانی است و با خصایصی چون ناقص بودن متن، پیچیدگی زبانی و تعداد زیاد واژه‌های ناآشنا، سبب شده است که فهم آن مشکل گردد، لیکن به نظر می‌آید که محتوای آن شامل اخباری در مورد قربانی شدن اولین انسان، فریب دادن آرگون‌ها و استقرار کیهان‌شناسی کل‌گرا و جزگرا می‌باشد. (نک: بالا) در میان بسیاری از این قطعات مرتبط با آفرینش که توسط ساندرمن چاپ شده است، توصیف دقیقی<sup>۵</sup> از خلقت عالم توسط روح زنده (مهر-یزاد) آمده است.

گروه دوم متونی که به زبانهای فارسی میانه، پارسی، ترکی هستند و در نسخه‌هایی که یکسان نیستند ولی ارتباط نزدیکی دارند حفظ شده‌اند. امکان نداشته است که این نسخه‌ها مستقیماً براساس نوشته‌های مانی تنظیم شده باشند. در این متون قربانی کردن بشر نخستین و پسرانش در الفاظ حماسی و جنگ پیروزمندانه یک حاکم و همراهانش توصیف شده است، در حالی که جنبه‌های قربانی شدن و دردآلودش در پشت صحنه می‌ماند.<sup>۶</sup>

خصوصیات آفرینش مانوی و تکامل بشر در اصل بنیادین این مکتب سبب شده است که گهگاه نقد‌هایی به مانویت به خاطر ثنویت آن وارد شود.<sup>۷</sup> هر چند که این دو اصل هرگز در یک میزان اهمیت نبوده‌اند و قدرت تاریخی همیشه فرع بر روشنای بوده است. برای مثال اولین بشر اگرچه فقط بخشی از روشنایی است ولی جرات می‌کند که به عمق تاریکی حمله ببرد و با کلیت آن روبه‌رو شود. از آن طرف

1. srigar-kirb ihī yazad n.

2. Tubach; see aknuvkj.

3. Mir. Man. I, p200.

4. 1973, pp. 11-37, text no.1.

5. 1973, pp. 37-41 text no.2.

6. Sunderman 1973, pp. 4-54 text nos 3-4.

7. Polotsky, col. 250.



شیاطینی که دنیای خودشان را ترک کرده‌اند تا به قلمرو نور هجوم ببرند، در بند آمیختگی پیش کیهانی قرار گرفتند و بنابراین به دنیای روح زنده به عنوان زندانی وارد شدند، نه به عنوان حاکم. قدرت‌های تاریکی توان شیطانی شان را برای مدت کوتاهی نمایش دادند، لیکن با تشکیل دنیا به عنوان نظام رستگاری، شکست نمایی آنها از قبل قطعی می‌باشد. بشر با کارکرد دفاعی توسط ماده دیو از که صرفاً بی‌باک بود و انواری را که ممکن بود بگریزند، تسخیر می‌کرد، خلق شده است ولی او به جای اینکه زندان جاویدی برای خویشتن زنده شود، ابزاری برای رستگاری شد. دنیای تاریکی دیگر هرگز به آنچه که در نبرد پیش تاریخ بوده است باز نخواهد گشت، برعکس دنیای روشنایی فقط یک بار صدمه دیده و تغییری که در ذاتش ایجاد می‌شود، موقتی است.

در آفرینش و تکامل بشری از دیدگاه مانویت، خلقت دنیا توسط خدایان و خلقت بشر توسط اهریمن مثل تصاویر منعکس شده از یک طبقه هستند. بشر از منظر کیهان‌شناسی جزئی‌گرا<sup>۱</sup> انعکاسی از کیهان‌شناسی کلی‌گرا است.<sup>۲</sup> کیهان‌شناسی کلی‌گرا و جزئی‌گرا، در ساختارشان ماده شیطانی مشترکی دارند، در عین حال دنیای تحت حاکمیت انسان کامل و ذات نور برای شیاطین همچون زندان است، وجود بشر هم خود زندانی برای نور شده است که تحت حکومت حرص و آز است.

اگرچه فرصتی برای شیاطین وجود ندارد که بر نظم کیهان غلبه کنند ولی حکومت حرص و آز در بشر ممکن است توسط دخالت روشنایی مغلوب می‌شود و این انسان جدید به سمت هستی فراخوانده شود.<sup>۳</sup> هر چند کیهان‌شناسی کلی‌گرا اساساً با محدود کردن شیاطین در ماده‌ای که توسط خود آنها ایجاد شده است، مانع از حمله آنها به قلمرو نور می‌شود و کیهان جزئی‌گرا که خود مخلوق همین ماده است موثرترین وسیله برای فرار نور از آن ماده محدود می‌شود. بنابراین سرنوشت بشر مسئله محوری کیهان‌شناسی و مبحث نجات بشر است.

شبهات‌های موجود در کارکردهای نظریه نجات بشری در نسخه‌های مختلف خلقت گاه منجر به انتقال موضوعات و نام‌ها از یک نسخه به نسخه دیگر می‌شود. خداوندان خلقت سوم روی رهایی و رستگاری نوری که در کیهان اسیر شده بود، تأثیر داشتند، به همان شکلی که روح زنده و مادر حیات اولین مخلوق روی رستگاری بشر نخستین که قبل از اینکه کیهان خلق شود، عمده نور اسیرشده را در خود داشت تأثیر

1. Mid. Pers. Nasa and sahr I kodag, parth, zambusig kasudag.

2. Mid. Pers. nas i wuzurg, Parth. zambud go wuzarg; Sundermann, 1973, pp. 25-33, 57, cf. idem, 1983, pp. 232-33; cf. Kephalaion 70.

3. see Kephalaion 33, esp. pp. 96-97.

گذاشته بودند. در متن بارکونی روح زنده می‌خواست شیاطین انواری را که بلعیده بودند، بیرون بریزند، پس به وسیله نمایاندن خودش به آنها از شیوه های مشابه پیامبر سوم پیشی گرفت. نهایتاً در متن چینی، که در آن قسمت‌های دیگر اسطوره آفرینش هم تحریف شده است، روح زنده (باد خالص) تبدیل به روح مقدس شده، که همان خرد روشن<sup>۱</sup> خلقت سوم می‌باشد. این پدیده‌ها به شکل نظام مند بررسی نشده‌اند و حتی فهمیده هم نمی‌شود که پدیده‌ها به مانی نسبت داده می‌شود یا به آخرین گمانه زنی‌ها.

اگر آفرینش به معنای خلق دنیا و طول عمر آن تعریف شود پس این حادثه برای مانویت نقطه آغازین نبوده است و قبل از تشکیل کیهان، جنگ بین نور و تاریکی و رنج روح زنده شکل گرفته بود. به همین شکل رستگاری روح زنده که بازگشت نور به اصل آن است تا زمان پایان جهان کامل نخواهد شد. بر طبق کفالایا<sup>۳۹</sup>، نورهای رها شده، در مدت زمان کوتاهی قبل از اینکه به قلمرو پدر عظمت برگردند، در بهشت جدید نور<sup>۲</sup> که مخلوق سازنده بزرگ است<sup>۳</sup> ساکن خواهند شد. بنابراین در مانویت آفرینش به عنوان مرحله‌ای از فرایند طولانی رستگاری دیده می‌شود که کارکرد اصلی آن در آغاز حمایت از قلمرو نور از حمله نیروهای تاریکی و در درجه دوم تا حدی که ممکن باشد بازگرداندن دنیای نور به وحدت اولیه آن است.

#### منابع باورهای آفرینش مانوی:

طبق ایده مانی، معرفت<sup>۴</sup> پیش نیازی برای رستگاری است.<sup>۵</sup> همانطور که گفته شد مانویت ضد دنیا و ضد مادی بوده و شامل باورهای است که می‌گوید روح یک زمانی از سرزمین اصلی‌اش جدا شده است و در دنیایی فاسد افتاده است. همانطور که در یک سرود پارتی که برای خویشتن زنده آمده است، می‌بینیم: «من از نور خدا هستم، و من از آنها دور افتاده‌ام، دشمنان به من حمله کردند و من را به داخل

1. Mid. Pers. wahman or farrah i d n, Parth. manohm d n.

2. like a tribe of nomads traveling from place to place; Mir. Man. III, p. 850.

3. cf. Mid. Pers. n g ahr fuyazad.

4. Gk. gnosis, Mid. Pers. d ni y.

5. see, e.g., Mir. Man. II, pp. 297-99; Boyce, Reader, pp. 88-89; tr. in Asmussen, 1975, pp. 7-8.

اجساد کشاندند»<sup>۱</sup>. آنچه که مانویت را از دیگر تعالیم گنوسیک جدا می‌کند، مفهوم دو دنیای فعال و مستقل روشنای و تاریکی است که از همان آغاز سقوط روح در قلمرو دنیایی را امری مجزا می‌داند و این جدایی نه تنها مثل دیگر تصورات گنوستیکی، به قصد تباهی بیش از پیش دنیای نور نبوده، بلکه بیشتر برای حمله شیطان به دنیای نور صورت گرفته است. از این نقطه مشخص، آفرینش مانی بسیار یادآور کیهان‌شناسی زردشتی است که در متون پهلوی آمده است، و بسیار گفته شده است که مانی جزئیات زیادی را از زردشتی قرض گرفته است، بر این اساس هانس جوناس<sup>۲</sup> مانویت را زیرگروه شاخه‌ای از گنوسیس ایرانی می‌داند.<sup>۳</sup> بسته به عقاید زردشتی آنچنان که اجمالاً از کتب پهلوی قرن هشتم و نهم بر می‌آید، معلوم است که در قالب رویدادهای آفرینش یک دوگانگی شدید بین نور و تاریکی و یا خوبی و بدی ایجاد شده است.<sup>۴</sup> اما در حیطه تاریخ برای آن سه حالت مشخص شده است: اول جدایی نور از تاریکی، بعد ترکیب آنها و بعد تجدید تفکیک آنها<sup>۵</sup> ولی مفاهیم این سه دوره در دو سیستم معنویت و زردشتی کاملاً متفاوت است.

اگرچه این شباهت‌ها در موارد متعددی بسیاری سطحی هستند. و به خوبی نشان می‌دهند که واژگان ایرانی بیش از معادلهای واقعی آنها استفاده می‌شوند، بنابراین ممکن نیست به آن اندازه که جیو ویدن گرن کرا<sup>۶</sup> گفته است، درست باشد.<sup>۶</sup> او معتقد است که تمام خصوصیات اصلی آفرینش مانوی، در اسطوره‌های زروانیسم که به نوعی ارتداد زردشتی است، حفظ شده است. در نسخه‌ای از زروان اخیر، خدای زمان، پدر اوهرمزد بود ولی بر طبق نسخه دیگر زروان پدر اوهرمزد و اهریمن بود. گراردو نیولی گفته است که اگر چهره‌های زردشتی از نظام مانویت پاک شوند، دیگر چیزی باقی نمی‌ماند<sup>۷</sup> از طرف دیگر، الکساندر بولیگ احتمال دیگری را مطرح کرده است، به نظر او ثویت مانی چیزی بیش از یک

1. Mir. Man. III, p. 874; Boyce, Reader, p. 106; cf., e.g., the summary of the Valentinian speculation in bardesanes; on the characteristic features of gnosticism, see, e.g., Puech, pp. 69-72; Rudolph, pp. 53-59.

2. Pp.326-37.

3. cf. Rudolph, pp. 335-36.

4. also characteristic of the Mandeans of Mesopotamia (Rudolf, p. 65] and the Mazdakites (see iv, below).

5. see, e.g., Widengren, 1978, pp. 312-13.

6. e.g., 1978, pp. 307, 314; 1961, pp. 48-50; 1965, p. 300.

7. Pp.74-75.

اغراق شدید و جدی از اسطوره شناسی گنوسنیک نبوده است. همینطور که در باورهای مانوی، شیطان عامل خلقت دنیا دیده شده است، درحالیکه در زردتشی این ماده دنیا (گونیک) از پدیده‌های اهورامزدا است و بشر به عنوان دستیار خداست و نظام اخلاقی او بر مبنای زندگی در دنیا است. ولی در مانوی گری دنیا زندانی برای شیاطین است که توسط خود شیاطین ساخته شده است و بشر هم مخلوق شیاطین است بنابراین دیدگاه مانوی ماده‌گرا و منفی است<sup>۱</sup> و رفتار زاهدانه دشمنی به دنیا است.

با توجه به تقسیم تاریخ به سه مرحله، که در اوستای موجود ذکر نشده است، شباهت‌هایی بین دو دین خیلی هم زیاد نیست. ویندن گرن تأکید می‌کند که «آمیختگی»<sup>۲</sup> ماده که در تعالیم زردشتی خیلی برجسته است، با چنین الگویی به هر سه مرحله مانوی تأثیر می‌گذارد.<sup>۳</sup> اگرچه مفهوم آمیختگی در شرایط مختلف استفاده می‌شود ولی در مانویت آمیختگی به محبوس شدن خویشتن زنده در ماده اهریمنی دلالت می‌کند، در حالیکه در دین زردشتی به معنی سه هزار سالی است که اراده اهورمزد و اهریمن، هر دو بر جهان جاری است.<sup>۴</sup> در مانوی‌گری شرقی، به وضوح این مکتب را «تعلیم دو ذات در سه مرحله» می‌نامیدند.<sup>۵</sup> مرحله اول به زمان قبل از ملاقات دو اصل نور و تاریکی برمیگردد، قبل از زمان سقوط انسان اولیه و دومین مرحله زمان بین نجات انسان اولیه و جدایی نهایی دو اصل می‌باشد. علائمی وجود دارد که نشان می‌دهد که این مکتب سه مرحله ای در مانویت غرب هم رایج بوده است. (کونن) می‌تواند به تأثیر زردشتی گری و بنابراین به حمایت از دیدگاه ویندن گرن دلالت بکند. اما یک نسخه کاملاً مخالف با این سه مرحله وجود دارد که البته در اینکه به همان اندازه قدیمی باشد، تردیدی وجود ندارد و آن در هفدهمین کفالایا پیدا شده است که در آن تطابق اولین، دومین و سومین خلقت گفته شده است.<sup>۶</sup> بنابراین عصر دوم آمیختگی به ترکیب ریشه‌ای نور از تاریکی برمیگردد که با شکست پنج پسر انسان اولیه شروع شد، نه با خلقت بشر و یا با دوره تاریخ که بشر در آن زندگی می‌کند.

به خاطر اینکه تئوری زردشتی اصولاً از متونی استخراج می‌شود که مربوط به قبل از قرن سوم میلادی بوده‌اند، پس ممکن است که برخی شباهت‌های بین این دو دین تأثیر مانویت بر دین زردشتی را انعکاس

1. cf., e.g., Bianchi, pp. 13-18.

2. Mid. Pers. gum zi n

3. 1961.p.71.1965,p.307;1978,p.306-7.

4. Bundahi n, ed. Anklesaria, pp. 8-11.

5. cf. Asmussen, 1965, pp. 174-75, 196, 220.

6. Nagel, pp. 201-07; Henrichs, pp. 190-96.

دهد. یک نمونه از این تأثیرگذاری، کارکرد واژه «آز» به معنی حرص یا طمع در زردشتی است به خاطر اینکه به نظر نمی‌رسد که آن از «آز» اوستای (که مذکر است) گرفته شده باشد بلکه ترجیحاً از ذات ماده شهوت در مانوی گرفته شده است.<sup>۱</sup>

جزئیات اسطوره مانوی بیشتر با تعالیم آفرینش و تکامل بشری برد سنس شباهت دارد تا با کیش زردشتی و این نشان می‌دهد که برد سنس به منبع مهمی از الهامات مانوی دسترسی داشته است (دریچ ورس، آلاوند) در آخر هم انحصاری بودن تعالیم مانوی در مورد سقط جنین شیاطین و یا سقوط از آسمان به عنوان خالق بشر، ممکن است که در ادبیات رانوج یهودی قابل ردیابی باشد.<sup>۲</sup>



1. Sundermann, 1986, pp. 15-16.

2. Henning, 1943, p. 53; Stroumsa, pp. 153-54, 158-67.